مجله علوم پزشکی رازی دوره ۳۲، شماره پیوسته ۹۷، ۳ شهریور ۱۴۰۴ https://doi.org/10.47176/rjms.32.97

مقاله پژوهشی

نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های ابراز هیجان وناگویی هیجانی‌با طلاق‌عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مراکز روانشناسی تهران

ندا انتظارخیر: دانشجوی دکتری راهنمایی و مشاوره، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مرضیه علیوندی وفا: استادیار، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (* نویسنده مسئول) Dr.vafa@gmail.com

سید داوود حسینی نسب: استاد، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش در زمینه تأثیر ابعاد هیجان خواهی در زندگی زناشویی می‌تواند نقش مهمی را در جهت تحکیم روابط زناشویی و در نتیجه ثبات و استواری نهاد خانواده ایفا کند و با هدف نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های ابراز هیجان و ناگویی هیجانی با طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مراکز روان‌شناسی تهران انجام شد.

روش کار: روش پژوهش مقطعی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره منطقه ۱ شهر تهران با حیطه مشاوره‌ی زوج درمانی در سال ۱۴۰۰ تشکیل دادند که از میان آن ها، ۲۲۰ نفر با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای هوش هیجانی (بار–آن، ۱۹۸۰)، ابرازگری هیجانی (کینگ و امونز، ۱۹۹۰) و طلاق عاطفی (گاتمن، ۱۹۹۹) استفاده شد که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. به منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS Macro استفاده گردید. همچنین به‌منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها در حالت کلی نشان داد که اثر طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی معنادار است. همچنین، طرح‌واره‌های هیجانی از طریق هوش هیجانی بر طلاق عاطفی تأثیرگذار است. به‌علاوه، اثر ابرازگری هیجانی بر طلاق عاطفی از طریق هوش هیجانی نیز معنادار بدست آمد و این امر نشانگر آن است که ابرازگری هیجان از طریق هوش هیجانی بر طلاق عاطفی اثرگذار است.

نتیجه‌گیری: پژوهش نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. بر اساس نتایج، می‌توان چنین استنباط کرد که طلاق عاطفی با مدیریت سبک‌های ابراز هیجان و اسکیماهای هیجانی قابل دستکاری است؛ به طوری که هوش هیجانی می‌تواند این ارتباط را تقویت نماید.

کلیدواژه‌ها

طلاق عاطفی،

هوش هیجانی،

ناگویی هیجانی،

اسکیماهای هیجانی،

سبک‌های ابراز هیجان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

تعارض منافع: گزارش نشده است.

منبع حمایت‌کننده: حامی مالی ندارد.

شیوه استناد به این مقاله:

Entezarkheir N, Alivandi Vafa M, Hosseini Nasab SD. The Mediating Role of Emotional Intelligence in the Relationship between Emotion Expression Styles and Emotional Apathy with Emotional Divorce in Couples with Emotional Divorce Experience Referred to Tehran Psychological Centers. Razi J Med Sci. 2025(25 Aug);32.97.

Copyright: ©2024 The Author(s); Published by Iran University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the CC BY-NC-SA 4.0 (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/deed.en).

*انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC-SA 4.0 صورت گرفته است.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

Razi Journal of Medical Sciences. 2025(25 Aug);32.97. https://doi.org/10.47176/rjms.32.97

Original Article

The Mediating Role of Emotional Intelligence in the Relationship between Emotion Expression Styles and Emotional Apathy with Emotional Divorce in Couples with Emotional Divorce Experience Referred to Tehran Psychological Centers

Neda Entezarkheir: Student, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
Marzieh Alivandi Vafa: Assistant Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (*Corresponding Author) Dr.vafa.a@gmail.com
Seyed Davood Hosseini Nasab: Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract

Background & Aims: This study was conducted to investigate the effect of emotion-seeking dimensions on marital life, which can play an important role in strengthening marital relationships and, as a result, the stability and robustness of the family institution. It aimed to investigate the mediating role of emotional intelligence in the relationship between emotional expression styles and emotional alexithymia with emotional divorce in couples who experienced emotional divorce and referred to psychological centers in Tehran. Methodology: The research method is a cross-sectional correlational type. The statistical population of this study consisted of all married women referring to counseling clinics in Tehran's District 1 with the scope of couple counseling in 1400, from which 220 people were selected using the convenience sampling method. In this study, emotional intelligence (Bar-On, 1980), emotional expressiveness (King and Emmons, 1990), and emotional divorce (Gotman, 1999) instruments were used, all of which had acceptable validity and reliability. SPSS macro software was used to analyze the data. Structural equation modeling (SEM) was also used to answer the research hypotheses. Findings: In general, the findings showed that the effect of emotional schemas on emotional divorce is significant. Also, emotional schemas have an effect on emotional divorce through emotional intelligence. In addition, the effect of emotional expressiveness on emotional divorce through emotional intelligence was also found to be significant, indicating that emotional expressiveness through emotional intelligence has an effect on emotional divorce. Conclusion: The study showed that the model has a good fit. Based on the results, it can be concluded that emotional divorce can be manipulated by managing emotional expression styles and emotional schemas, so that emotional intelligence can strengthen this relationship.

This study on the effect of emotion seeking dimensions in marital life can play an important role in strengthening marital relationships and thus the stability of the family institution. The aim of this study was to mediate the role of emotional intelligence in the relationship between emotion expression styles and emotional malaise with emotional divorce in couples with emotional divorce experience referred to Tehran Psychological Centers.

Methods: The research method is cross-sectional correlation. The statistical population of this study consisted of all married women referring to counseling clinics in District 1 of Tehran with the scope of couple therapy counseling in 1400, from which 220 people were selected by convenience sampling. The study used the tools of emotional intelligence (Bar-On, 1980), emotional expression (King and Emmons, 1990), emotional malaise (Toronto, 1985) and emotional divorce

Keywords
Emotional Intelligence,
Emotion Expressing Styles,
Emotional Dysfunction,
Emotional Divorce

Received: 01/03/2025
Published: 25/08/2025

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

(Guttman, 1999), all of which have acceptable validity and reliability. They enjoyed. SPSS-V22 and Amos-V22 software were used to analyze the data
Structural equation modeling was also used to answer the research hypotheses.
Results: Findings showed that the model has a good fit. The results showed that the styles of expressing emotion and emotional resentment have a direct effect on emotional divorce in couples with experience of emotional divorce referred to Tehran Psychological Center. Emotional expression styles and emotion nagging have no indirect effect on emotional divorce mediated by emotional intelligence in couples with emotional divorce experience referred to Tehran Psychological Center.
Conclusion: At the level of the effect of emotional intelligence, are the styles of expressing emotion and emotional nagging, and provide a better understanding of the etiology of the phenomenon of emotional divorce in couples.

Conflicts of interest: None
Funding: None

Cite this article as:
Entezarkheir N, Alivandi Vafa M, Hosseini Nasab SD. The Mediating Role of Emotional Intelligence in the Relationship between Emotion Expression Styles and Emotional Apathy with Emotional Divorce in Couples with Emotional Divorce Experience Referred to Tehran Psychological Centers. Razi J Med Sci. 2025(25 Aug);32.97.

Copyright: ©2024 The Author(s); Published by Iran University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the CC BY-NC-SA 4.0 (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/deed.en).

*This work is published under CC BY-NC-SA 4.0 licence.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

مقدمه

طلاق یکی از مهم‌ترین عواملی است که در مسیر زندگی اخلال ایجاد می‌کند و روند رو به رشد آن منجر به افزایش خانواده های تک والدی شده است (۱). در این میان، طلاق عاطفی نوعی نابهنجاری در نظام خانواده است که اگرچه به جدایی زوجین منجر نمی شود و بنا به دلایلی زن و شوهر همچنان در یک محیط و در زیر یک سقف در کنار هم به زندگی مشغولند، اما زندگی آن ها به ازدواجی پوچ تبدیل شده است که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است (۲). مطلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود تجربه می شود که در آن هر یک از زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار می‌دهد (۳). رابطه زناشویی درگیر با طلاق عاطفی، زمینه ساز قوی برای ایجاد افسردگی، اضطراب و ناامیدی به خصوص در زنان است. به بیان دیگر، طلاق عاطفی به احساس فرد از زندگی و روابط زناشویی بر می گردد؛ اما این احساس فرد از زندگی علاوه بر اینکه تحت تأثیر عوامل روانی و عاطفی است، متأثر از زیرساخت های اجتماعی و محیطی نیز می‌باشد (۴).

طلاق عاطفی زوایای پنهان و مستتری دارد که بررسی و شناخت آن نیازمند مطالعات فراوان و دقیق است. طلاق عاطفی، اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوال است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (۵). این نوع طلاق، نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر و نیز متضمّن فقدان اعتماد، احترام و محبّت به یکدیگر است. بسیاری از مواقع طلاق عاطفی طی گذشت زمان می‌تواند به آشتی عاطفی یا نوسازی سرمایه عاطفی نیز منجر شود، به شرطی که وضع مالی و رفاهی خانواده بهبود یابد (۶). اگر متوسط طلاق‌های رسمی کشور را در مقایسه با تعداد ازدواج، ۱۳ طلاق برحسب ۱۰۰ ازدواج بپذیریم در بهترین شرایط متوسط طلاق عاطفی سالانه به نسبت ازدواج سالانه حداقل بین ۱۵تا۲۰ مورد برحسب کلانشهرها و شهرها نوسان خواهد داشت (۷).

مدل های شناختی بر این فرض استوار هستند که هر کدام از زوجین باورهای اصلی(طرحواره های ارتباطی) درباره ی خود و روابطشان دارند که با خودشان به رابطه زناشویی می آورند. طرحواره ها فرضیه هایی درباره همسرشان و رابطه زناشوییشان به گونه ای که هستند و معیارهایی درباره چگونه بودنشان می‌باشند. طرحواره‌های ناسازگار در واقع اکثراً هسته اختلاف بین زوجین می‌باشند (۸). در حقیقت، طرحواره چنان که تصور می شد صرفاً بر مبنای شناختی قرار ندارند؛ به طوری که بیشترین تاثیر در رفتار بر عهده ی طرحواره های هیجانی است. طرحواره‌های هیجانی به شخصیت شکل داده و بر تعامل با سایرین، تجربه‌های هیجانی و تحلیل واکنش‌ها اثر می‌گذارند. طرحواره های هیجانی اعتقاداتی در رابطه با ریشه هیجان ها، تمایزها، گناه، غیرقابل کنترل بودن، خطر، نیاز به منطقی بودن و قانونمند بودن هیجان می باشند. علاوه بر این، افراد، در حیطه ی کنترل، بازداری، اجتناب، تحمل، پذیرش و هیجانات، مشکل دارند که موجب افزایش استفاده از روش های ناسازگارانه مقابله، مانند نشخوارذهنی، سوء مصرف مواد، اختلالات خوردن و نگرانی می‌شود (۹).

طرحواره‌های هیجانی روش هایی را که افراد، هیجان هایشان را تجربه می‌کنند، منعکس می کنند. بر این اساس، افراد طرحواره هیجانی متفاوتی با یکدیگر دارند. طرحواره‌های هیجانی مجموعه‌ای از اصول سازمان یافته یا محتوای فکر فرد تعریف می‌شود که با هیجانات، اهداف، خاطرات و تمایلات رفتاری گره خورده‌اند (۱۰).

طرحواره‌های هیجانی از تأثیر متقابل تاریخچه یادگیری اولیه فرد و خلق و خوی فطری او به وجود می‌آیند. وقتی اسکیماهیجانی که فعال می‌شوند، تأثیر به سزایی در چگونگی تعبیر و تفسیر وقایع زندگی و واکنش به این وقایع دارند (۱۱).

هریک از طرحواره های هیجانی تأثیر خاصی بر چگونگی پردازش هیجانی دارند. مدل فراهیجانی یا فراشناختی پردازش هیجانی بر این اصل استوار است که چگونگی مفهوم‌سازی هیجان‌ها و راهبردهای پاسخدهی به هیجان‌ها بر تداوم افسردگی، اضطراب و خشم و... تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. نظریه شناختی بک طرحواره‌های ناسازگار اولیه را ریشه در اختلال‌های اضطرابی می‌داند (۱۲). بر اساس نظریه شناختی بک

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

عاطفه و رفتار افراد به میزان زیادی تحت تأثیر ارزیابی آن ها از جهان است؛ یعنی اینکه شخص چگونه فکر می‌کند و چگونه واکنش نشان می‌دهد. به علاوه شناخت‌های افراد، مجموعه‌ای از حوادث کلامی یا ذهنی و تصویری است که در آگاهی‌هایش قرار دارد. این شناخت‌ها بر نگرش‌ها یا فرضیه‌هایی که از طریق تجربه‌های اولیه توسعه یافته‌اند، پایه‌گذاری شده است (۱۳).

می گویند باورها و طرحواره های افراد در مورد هیجانات می تواند تعیین کننده‌ی راهبردهای به کاربرده شده‌ی تنظیم هیجان مانند ابرازگری هیجانی باشد. ابرازگری هیجان به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی هیجان به نمایش بیرونی هیجان بدون توجه به ارزش مثبت یا منفی یا شیوه تجلی آن (چهره ای، کلامی، بدنی یا رفتاری) اطلاق می شود. کینگ و امونز سه بعد اساسی در ابرازگری هیجانی مطرح کرده اند که این سه بعد شامل ابراز هیجان مثبت، ابراز هیجان منفی و ابراز صمیمیت است. بعضی افراد هیجان هایشان را آزادانه و ظاهراً بدون نگرانی از پیامدهای آن ابراز می کنند؛ ولی برخی دیگر در انتقال حلت های هیجانی خود محافظه کار هستند (۱۴)؛ تفاوتی که اگر شناخته نشود، می تولند در ارتباط‌های بین فردی مشکل آفرین باشد. در حقیقت، وقتی هیجان ها به سبک غلطی ابراز شوند، در بافتی نامناسب رخ دهند، خیلی شدید باشند و زیاد به طول بینجامند، مشکل آفرین و آسیب زا می شوند موضوعی که در حوزه ی ارتباط‌های بین فردی زوجین نیاز به شفاف سازی دارد (۱۵).

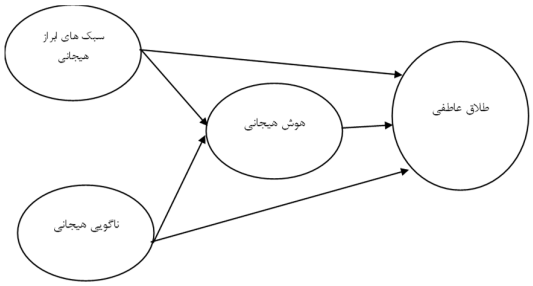
از جمله عوامل مهمی که می تواند در رضایت زناشویی زوجین از منظر هیجانی تأثیرگذار باشد، ساختار هوش هیجانی هر یک از زوجین می باشد. گلمن هوش هیجانی را عامل مهمی در شکوفایی توانایی افراد برای کسب موفقیت در زندگی تلقی می کند و آن را با سلامتی عاطفی و در مجموع، سلامتی روانی مرتبط می داند. به باور مایر و سالوی، هوش هیجانی عبارت است از توانایی نظاره کردن احساسات خود و دیگران، فرق گذاشتن میان احساسات خود با دیگران، استفاده از این امر به منظور هدایت افکار و اعمال خود (۱۶).

بررسی ها نشان داده اند زوج هایی که هوش هیجانی بالاتری دارند، احتمالاً توانایی بالایی در زمینه درک دنیای درونی همسر خود در شرایط تعارض و اختلاف نظر خواهند داشت و به گونه ای می توانند عواطف و احساس های خود را به راحتی بروز دهند و مانع از طولانی شدن تعارض شوند و به این طریق روابط مطلوب و رضایت بیشتر و تعارض های کمتری را تجربه کنند (۱۷). افرادی که هوش هیجانی پایین تری دارند، در مواجهه با استرس های زندگی، سازگاری و انطباق پذیری ضعیف تری خواهند داشت و در نتیجه بیشتر به افسردگی، ناامیدی و دیگر پیامدهای منفی زندگی مبتلا می شوند (۱۸). بدیهی است که نقض در مهارت های هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، آثار نامطلوبی بر زندگی مشترک زوج ها می گذارد. با تکیه بر ساختار هوش مدار متغیر هوش هیجانی و آموزش پذیر بودن آن به نظر می رسد دخالت دادن این نوع هوش بتواند مسیر رابطه ی بین هیجان های منفی تجربه شده با طلاق عاطفی زوجین را بازتعریف نماید؛ ادعایی که در قالبی فرضیه بوده و نیازمند مطالعات بیشتری است (۱۹).

. انجام این پژوهش می تواند نقاط اتصال و گره های شبکه ارتباطی بین این دو متغیر را در بین افراد جامعه مورد مطالعه مشخص نماید که این نتایج می تولند مورد استفاده پژوهشگران، متخصصان روانشناسی، مشاوران و متولیان مربوطه قرار گیرد.از نگاه نظری نیز، نتایج این تحقیق می توان در روشن سازی اهمیت هیجان‌ها در تبیین رفتار انسان که امروزه در دنیای روان‌شناسی بسیار مورد توجه است، اطلاعات مفیدی را فراهم آورد. با توجه به مباحث مطرح شده و ارتباط چندگلنه ی متغیرهای بیان شده (سبک های ابراز هیجان، ناگویی هیجان و هوش هیجانی و تأثیرات احتمالی آن بر طلاق عاطفی) در این پژوهش به بررسی این متغیرها پرداخته و با توجه به گستردگی مبحث و مدل نظری مطرح شده در ذیل، این سؤال اصلی را مطرح نموده است که آیا مدل پیشنهادی محقق با

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

هدف تعیین مدل علی طلاق عاطفی بر اساس سبک های ابراز هیجان و طرحواره های هیجانی با میانجیگری هوش هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناسی تهران دارای برازش می‌باشد؟

روش کار

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش شامل کلیه‌ی زنان متأهل مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره منطقه ۱ شهر تهران با حیطه مشاوره‌ی زوج درمانی بود.

در حقیقت، جامعه ی آماری پژوهش حاضر را کلیه زنانی تشکیل می داد که دارای تجربه ی طلاق عاطفی بوده و برای کمک خواهی روان‌شناختی به مراکز تعریف شده مراجعه کرده بودند. بر اساس جنس متغیر، تعیین دقیق تعداد این افراد ممکن نبود. در این پژوهش، از تعداد ۲۲۰ نفر (بعد از محاسبه ی تعداد دقیق و کنار گذاشتن موارد غیرقابل استفاده) برای انجام تجزیه و تحلیل آماری استفاده شد. با عنایت به نظر متخصصان آماری، در مطالعات مبتنی بر مدل یابی معادلات ساختار (SEM) ، تعداد بالاتر از ۲۰۰ نفر مناسب تشخیص داده شده است (شوماخر و لومکس، (۱۳۸۸)؛ لذا، در این پژوهش نیز از تعداد ۲۲۰ نفر برای انجام تجزیه و تحلیل آماری استفاده شد. همچنین، برای انتخاب آزمودنی ها، از روش غیرتصادفی در دسترس استفاده شد. در ادامه ابزارهای پژوهش آورده شده است.

ابزارهای گردآوری داده‌ها

پرسش نامه طلاق عاطفی: پرسش نامه طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۹) برای اندازه گیری میزان طلاق عاطفی افراد طراحی شده است. این پرسش نامه، تعاملی بوده و فاقد مؤلفه است. این پرسش نامه در ۲۴ گویه به شکل دو گزینه ای (بله یا خیر) تنظیم شده است. پس از جمع کردن پاسخ های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر هشت و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در وی مشهود است. موسوی و رحیمی نژاد (۱۳۹۴) پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۳ گزارش کردند. مقادیر اشتراک و بار عاملی گویه های مقیاس نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و بار عاملی قابل قبولی دارند. روایی صوری این پرسش نامه نیز با نظر ۷ نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا تأیید شده است (۲۰).

پرسش نامه اسکیمای هیجانی: پرسش نامه طرحواره هیجانی توسط لیهی (۲۰۰۲) تهیه شده و شامل ۲۸ سؤال می باشد و در آن ۱۴ نوع طرحواره هیجانی بررسی می شود. روش نمره گذاری با طیف لیکرت (کاملاً درست ۵ تا کاملاً غلط ۱) می باشد. دامنه ی نمره ی کلی بین ۲۸ تا ۱۴۰ می باشد که هر چه نمره ی فرد بالاتر باشد نشانگر طرحواره های منفی بیشتر می باشد. در واقع، نمره ی بالاتر از ۹۴ را نشانگر حضور طرحواره های هیجانی منفی بالا تعریف کرده اند. لیهی(۲۰۰۲) در پژوهش خود، روایی را با همبستگی گویه ها با خود و همبستگی با سیاهه های چند محوری بالینی میلون، افسردگی و اضطراب بک و

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

پرسش نامه فراشناختی کارترایت-هاتون وولز (۱۹۹۷) بررسی نموده و دریافت که اکثریت ابعاد ۱۴ گانه این مقیاس همبستگی معنی داری با افسردگی و اضطراب دارند. علاوه بر این بین ابعاد نیز رابطه معنادار وجود داشت. پایایی با آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بود. همچنین در پژوهش بیرواند (۱۳۹۳) ضریب الفای کرانباخ ۰/۸۴ به دست آمده است.

پرسش نامه ابرازگری هیجانی: برای سنجش این متغیر از ابزار ابرازگری هیجانی، از پرسشنامه ی ابرازگری هیجان (Expression of Emotion Questionnaire) (EEQ) استفاده شد. این پرسش نامه توسط کینگ و امونز در سال ۱۹۹۰ طراحی شده است. این پرسش نامه سه مولفه و ۱۶ ماده (۵ درجه ای) دارد. ۷ ماده آن مربوط به مولفه ابراز هیجان مثبت (۷-۱)، ۵ ماده آن مربوط به مولفه ابراز صمیمیت (۱۲-۸) و ۴ ماده آن مربوط به مولفه ابراز هیجان منفی (۱۶-۱۳) است. نمره کل یک فرد از ۱۶ تا ۸۰ متغیر است و نمره ی بالاتر، نشانگر ابرازگری هیجانی بالاتر است. در این پژوهش نیز، نمره کل در نظر گرفته شد. کینگ و امونز (۱۹۹۰) آلفای کرونباخ را ۰/۷۰ به دست آوردند و روایی همگرای معنی داری بین آن و مقیاس عاطفه مثبت و پرسش نامه شخصیت چند بعدی به دست آوردند ($p<0/05$). حسنی و یزدی (۱۳۹۴)، ضریب های آلفا برای خرده مقیاس های مثبت، ابراز صمیمیت، ابراز هیجان منفی و کل راه به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۴، ۰/۸۲ و ۰/۷۸ به دست آوردند.

پرسش نامه هوش هیجانی: پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی اجتماعی بار-آن توسط ریوون بار – آن ساخته شده است. این ابزار که بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۶ کشور (آرژانتین، آلمان، هند، نیجریه، آفریقای جنوبی) که ۴۸/۸ درصد آنان مرد و ۵۲/۲ درصد آنان زن بودند اجرا شده و به طور سیستماتیک در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید. نتایج نشان داد که آزمون از حد مناسبی از اعتبار و روایی برخوردار است. این آزمون در ابتدا دارای ۱۱۷ سؤال و ۱۵ مقیاس بود که بعداً به ۹۰ سوال در فرم ایرانی تقلیل یافت. پاسخ های آزمون نیز بر روی یک مقیاس ۵ درجه ای در طیف لیکرت تنظیم شده است. نمره کل هر مقیاس برابر است با مجموع نمرات هر یک از سؤال های آن مقیاس و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات ۱۵ مقیاس می باشد. کسب امتیازات بیشتر در این آزمون نشانگر موفقیت برتر در مقیاس مورد نظر و یا در کل پرسش نامه و برعکس می باشد. نمرات بالاتر پیش بینی کننده بهتری برای کارکرد مؤثر در برابر تقاضا و فشارهای محیطی است و نشان می دهد که مهارت هیجانی اندازه گرفته شده، قوی، توسعه یافته و دارای عملکرد مؤثر است و نمرات پایین بر ناتوانی در موفقیت و زندگی بر وجود مشکلات هیجانی اجتماعی یا رفتاری اشاره دارد. مقیاس های آزمون عبارتند از: خود آگاهی هیجانی (توانایی آگاه بودن و فهم احساس خود)، خود ابرازی، عزت نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، مسؤلیت پذیری اجتماعی (روابط بین فردی)، واقع گرایی، انعطاف پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانشی (توانایی مقاومت در برابر یک تکانش)، خوش بینی و شادمانی. یکی از موارد هنجاریابی ایرانی این آزمون در اصفهان صورت گرفت. پایایی آزمون از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای مردان ۰/۷۴ و برای زنان ۰/۷۶ و برای کل افراد ۰/۹۳ محاسبه گردید. ضریب پایایی به روش بازآزمایی ۰/۶۸ گزارش گردید. پایایی حاصل از روش بازآزمایی در پژوهش محمدی (۱۳۸۵) ۰/۷۸ بود. همچنین ضریب همسانی درونی: این پرسشنامه، میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد.

پس از استخراج داده‌ها و ورود به نرم افزار (SPSS22) پرسش نامه هایی که به طور کامل تکمیل نشده بود و یا حاوی داده های پرت بود، از پژوهش خارج شد. بدین صورت تعداد نمونه ها در نهایت به ۲۵۰ نفر رسید که مورد تحلیل آماری (spss macro) قرارگرفتند.

یافته‌ها

میانگین طلاق عاطفی در جدول ۱ پایین برابر (۱۸/۳۷)، سبک‌های ابزار وجود (۴۸/۷۵)، هوش هیجانی (۳۱۳/۵۰) و طرحواره‌های هیجانی نیز برابر(۱۱۵/۲۰) می‌باشد. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

۰/۷، بیانگر پایایی قابل قبول است.

در جدول (۲) مقادیر آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها از مقدار ۰/۷ بیشتر بوده و بیانگر پایایی قابل قبول است. همچنین، نتایج تحلیل عاملی جهت بررسی روایی نشان داد بار عاملی تمام گویه های پرسش نامه بیشتر ا ز۰/۵ و مقدار اماره t خارج از بازه (۱/۹۶ و ۱/۹۶) است؛ بنابراین تمام گویه ها در مدل باقی می مانند. همچنین مقادیر تمامی میانگین واریانس استخراج شده از ۰/۵ بیشتر بوده. همچنین CR > AVE می باشد. لذا، این پژوهش از روایی همگرایی مناسبی برخوردار است.

در مسیر برررسی نتایج و در تعیین ضرایب و مقدار معناداری آن‌ها، جداول ۳ و ۴، روایی و مدل اندازه گیری متغیرهای تحقیق را در حالت تخمین استاندارد و ضرایب معناداری نشان می دهد. معناداری ضرایب و پارامترهای به دست آمده مدل ساختاری پژوهش در جدول نشان داده شده است. ضرایب به دست آمده زمانی معنادار می‌باشند که مقدار آزمون معناداری آن‌ها از عدد ۱/۹۶ بزرگ‌تر و از عدد ۱/۹۶- کوچک‌تر باشند. نتایج به شرح جدداول زیرمی باشد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
طلاق عاطفی	۲۲۰	۱۸/۳۷	۲/۳۱	۱۱/۴۹	۲۳/۱۳
سبک‌های ابراز هیجان	۲۲۰	۴۸/۷۵	۴/۵۴	۳۵/۴۶	۶۱/۰۳
هوش هیجانی	۲۲۰	۳۱۳/۵۰	۱۷/۸۰	۲۶۱/۵۳	۳۶۵/۴۶
طرح‌واره‌های هیجانی	۲۲۰	۱۱۵/۲۰	۱۹/۵۰	۶۲/۶۲	۱۷۲/۱۵

جدول ۲- شاخص‌ها و مقادیر مربوط به مدل اندازه گیری پژوهش

	آلفا کرونباخ	پایایی همگون	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده
سبک های ابراز هیجان	۰/۷۹۱	۰/۸۰۴	۰/۸۷۷	۰/۷۰۴
طرح واره های هیجانی	۰/۹۲۳	۰/۹۲۷	۰/۹۳۳	۰/۵۰۳
هوش هیجانی	۰/۹۵۱	۰/۹۵۳	۰/۹۵۷	۰/۵۹۷
طلاق عاطفی	۰/۹۵۲	۰/۹۵۴	۰/۹۵۵	۰/۵۷

جدول ۳- روایی واگرایی

	سبک های ابراز هیجان	طرح واره های هیجانی	هوش هیجانی	طلاق عاطفی
سبک های ابراز هیجان	۰/۸۳۹			
طرح واره های هیجانی	۰/۶۴	۰/۷۰۹		
هوش هیجانی	۰/۷۴۴	۰/۷۹۹	۰/۷۷۳	
طلاق عاطفی	۰/۷۲۸	۰/۶۵	۰/۶۹۱	۰/۷۸۵

جدول ٤- ضرایب بتا و معناداری متغیرهای پژوهش

مسیر	ضریب مسیر(بتا)	t-Value	P-value	نتیجه
اسکیما های هیجانی ← طلاق عاطفی	۰/۱۹۲	۲/۳۰۲	۰/۰۲۲	تایید
سبک‌های ابراز هیجان ← طلاق عاطفی	۰/۴۵۵	۹/۱۸۱	۰/۰۰۰	تایید
اسکیما هیجانی ← هوش هیجانی	-۰/۴۹۸	-۷/۴۹۹	۰/۰۰۰	تایید
سبک‌های ابراز هیجان ← هوش هیجانی	-۰/۳۸۶	-۱۰/۰۷۷	۰/۰۰۰	تایید
هوش هیجانی ← طلاق عاطفی	-۰/۱۷۸	-۲/۴۶۹	۰/۰۱۴	تایید
اسکیماهیجانی ← هوش هیجانی ←طلاق عاطفی	۰/۰۸۹	۲/۲۰۸	۰/۰۲۸	تایید
سبک‌های ابراز هیجان ← هوش هیجانی ←طلاق عاطفی	۰/۰۶	۲/۴۳۷	۰/۰۱۵	تایید

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

جدول ۵- اثرات غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از طریق متغیر میانجی (آزمون بوت استرپ)

مسیرها	داده‌ها	بوت	سوگیری	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا
اثر اسکیماهای هیجانی بر طلاق عاطفی از طریق هوش هیجانی	۰/۱۳۲۷	۰/۱۳۱۶	۰/۰۰۱۱	۰/۰۷۰۴	۰/۰۱۷۰	۰/۲۹۲۲
اثر سبک های ابراز هیجان بر طلاق عاطفی از طریق هوش هیجانی	۰/۰۴۸۷	۰/۰۵۰۲	۰/۰۰۱۵	۰/۰۳۷۲	۰/۰۰۱۱	۰/۱۴۱۸

جدول٦- مقادیر افزونگی (CV Red) و ضریب تعیین

مقدار CV Red	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	
۰/۴۰۴	۰/۷۲۹	۰/۷۳۲	هوش هیجانی
۰/۲۴۷	۰/۵۹۳	۰/۵۹۷	طلاق عاطفی

جدول (۵) نتایج اجرای بوت استراپ برای محاسبه اثرات غیرمستقیم را نشان می دهد. برای اینکار از نرم افزار SPSS Macro و روش Syntax که توسط پریچر و هیس (۲۰۰۸) معرفی شده، استفاده گردید.

در جدول (۵) حد پایین و بالا فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای ستون داده ها ایجاد شد و چنانچه مقدار صفر در فاصله اطمینان قرار گیرد، اثر متغیر میانجی غیرمعنادار و در غیر اینصورت معنادار خواهد بود. لذا، با توجه به این نکته می توان نتیجه گرفت که اثر طرحواره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی از طریق هوش هیجانی معنادار می باشد و بنابراین طرحواره‌های هیجانی از طریق هوش هیجانی بر طلاق عاطفی تأثیرگذار است. همچنین اثر سبک های ابراز هیجان بر طلاق عاطفی از طریق هوش هیجانی نیز معنادار است و این نشان می دهد که سبک های ابراز هیجان از طریق هوش هیجانی بر طلاق عاطفی اثرگذار است.

با توجه به جدول (۶) و مقادیر افزونگی (CV Red) که ارزش آن بالای صفر و مثبت است، کیفیت بالای مدل تایید می شود. مقدار ضریب تعیین برای متغیر هوش هیجانی برابر ۰/۷۳۲ می باشد. این موید آن است که ۷۳/۲٪ از تغییرات در متغیر هوش هیجانی از تغییرات در متغیر سبک های ابراز هیجانی، اسکیماهیجانی تبیین می گردد. به علاوه، مقدار ضریب تعیین برای متغیر طلاق عاطفی برابر ۰/۵۹۷ می باشد. این موید آن است که ۵۹/۷٪ از تغییرات در متغیر طلاق عاطفی از تغییرات در متغیر ناگویی هیجانی، سبک های ابراز هیجانی، طرحواره های هیجانی و هوش هیجانی تبیین می گردد. بنا به پیشنهاد تنهاوس و همکاران (۲۰۰۵)، می توان با شاخصی به نام نیکویی برازش (GOF)، مقدار آن را به روش دستی و با محاسبه ی فرمول زیر به دست آورد.

$$GOF = \sqrt{\overline{R^2} * \overline{Communality}}$$

$$GOF=\sqrt{0.664 * 0.624} \qquad =0.643$$

در کل، حدود این شاخص بین صفر تا یک می باشد. بر اساس نظر وتزلس و همکاران (۲۰۰۹)، سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ مقادیر ضعیف، متوسط و قوی این شاخص معرفی شده اند. بنا به پیشنهاد تنهاوس و همکاران (۲۰۰۵)، می توان با شاخصی به نام نیکویی برازش (GOF)، مقدار آنرا به روش دستی و با محاسبه ی فرمول زیر بدست آورد. همچنین، شاخص نیکویی برازش (Goodness of Fit) (GOF) این مدل ۰/۶۴۳ به دست آمده است که از مطلوبیت قوی کلی مدل حکایت دارد.

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های ابراز هیجان و اسکاموتراپی هیجانی با طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی می باشد. نتایج نشان داد رابطه بین طرحواره‌های هیجانی و طلاق عاطفی تایید می شود. به بیان دیگر، طرحواره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر مستقیم دارد

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

که این نتایج با نتایج پژوهش های چون رشیدی و لعل زاده و همکاران همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان اذعان داشت که در هر جامعه ای، شکست یا موفقیت در ازدواج از عوامل فرهنگی مردمان آن جامعه نیز تأثیر می گیرد؛ به طوری که افراد در بافت های فرهنگی مختلف اولویت ها، نیازها و انتظارات متفاوتی نسبت به ازدواج دارند که شیوه تحقق آن‌ها می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

طلاق عاطفی بیانگر رابطه زناشویی روبه زوالی است که احساس بیگانگی جایگزین آن می شود. زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن ها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و فرد دارد (۲۰). بر اساس نظریه ی یانگ (۲۰۰۵)، از آنجایی که ساحت شکل‌گیری طرحواره‌های هیجانی در افراد متفاوت بوده و هر شخص بنا به روحیات و خلقیات خود مجموعه‌ای از ارزیابی ها، تفاسیر و راهبردها را در برابر هیجانات مثبت و منفی به کار می‌گیرد و دست به تصمیم‌گیری می‌زند، که اگر هیجان را بهنجار تشخیص داده به سمت اعتباریابی و یادگیری حرکت می‌کند و اگر آسیب زا تشخیص داده به سمت اجتناب (به هر شکلی) حرکت می‌کند، پس می‌توان این طور برداشت نمود که با توجه به تمامی مسائل بیرونی و درونی از آماده سازی شخصیت هر انسان و همچنین سلایق و به کارگیری شکل های متفاوت طرحواره های هیجانی، تأثیر آن ها بر هیجان پیش آمده‌ای مانند طلاق عاطفی مستقیم نبوده، کما اینکه نوع نگاه به هیجان مربوطه از منظر مثبت و منفی بنا به تجربیات شخصی هر فرد از زندگی عاطفی خود نیز متفاوت است و به میزان تأثیرگذاری آن بر زندگی جداگانه افراد بستگی دارد. به همین دلیل طرحواره های هیجانی متفاوتی را پدیدار می کند که شاید به هیچ وجه اثربخشی امید بخشی یا ناکام کننده‌ای نداشته و صرفاً حالت کاذب را به خودگیرد.

نتایج نشان داد که سبک‌های ابراز هیجان بر طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر مستقیم دارد. به بیان دیگر، سبک های ابراز هیجان بر طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر مستقیم دارد. این نتایج با نتایج پژوهش های امانی و مک درموت همسو می باشد. در تبیین دیگر می توان چنین بیان داشت که افراد توانمند از نظر هیجانی احساس های خود را تشخیص می دهند، مفاهیم ضمنی آن را درک می کنند و به گونه مؤثرتری حالت های هیجانی خود را برای دیگران بیان می کنند. این افراد در مقایسه با افرادی که توانایی درک و بیان حالت های هیجانی را ندارند، در کنار آمدن با تجربه های منفی از موفقیت بیشتری برخوردارند و سازگاری مناسب تری را در ارتباط با محیط، دیگران و همسران خود نشان می دهند.

همچنین، نتایج نشان داد طرحواره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی با میانجیگری هوش هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر غیرمستقیم دارد و این نتایج با نتایج پژوهش هایی چون موسوی خرمی و همکاران، میکائیلی و جباری قوزلوجه و محمدی، بهادران باغبادرانی و وحیددستجردی همسو می باشد. در تبیین نتایج می توان گفت که شاید جنس هوش هیجانی، مدیریت شرایط موجود در روابط ساده‌تر و بدون تنش باشد؛ و نتوان از قدرت هوش هیجانی در بافت‌های بسیار نزدیک و صمیمی مانند روابط زن و شوهر استفاده نمود. به نظر می‌رسد چگونگی ساخت و شکل گیری طرحواره‌ها در دوران پایین‌تر سنی قادر است بر تعبیر و تفسیر روابط آشفته‌ی زوجین تأثیر بگذارد؛ ولی داشتن هوش هیجانی مکانیکی بالا توان میانجیگری بین طرحواره های هیجانی و طلاق عاطفی را ندارد؛ چراکه وقتی روابط بین زن و مرد به حد بی احساسی و مسخ ارتباط کشیده می شود و هیچ حسی برای بهبود شرایط متصور نمی باشد، داشتن هوش هیجانی بالا قادر نیست بر این روابط تأثیر بگذارد؛ نتیجه ای که قابل توجیه است. به باور مایر و سالووی در هوش هیجانی، توانایی خواندن احساسات و

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

هیجانات دیگران مطرح می باشد؛ یعنی، نوعی همدلی که توسط گاردنر با عنوان هوش درون فردی توصیف شده است.

از طرفی، نتایج نشان داد سبک های ابراز هیجان بر طلاق عاطفی با میانجیگری هوش هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر غیرمستقیم دارد. این نتایج با نتایج پژوهش مک درموت، میکائیلی و جباری قوزلوجه و محمدی، بهادران باغبادرانی و وحیددستجردی همسو می باشد. در تبیین این یافته چنین می توان گفت که در ارتباط با زوجین به نظر می رسد که زن و مرد به جای ابراز هیجانات قوی، هیجاناتی را بیان می کنند که برایشان کمتر تهدید کننده باشند.

از جمله محدودیت هایی که می توان ذکر کرد انجام پژوهش در یک بافت فرهنگی خاص و محدود از نظر مکان جغرافیایی است که باید در تعمیم نتایج با دقت عمل شود. انتخاب غیر تصادفی نمونه ی پژوهش نیز از جمله محدودیت های دیگر به شمار می رود. پیشنهاد می شود اقداماتی همچون آموزش هایی در زمینه های ارتباط سالم بین زوجین، زوج درمانی و خانواده درمانی از طریق برگزاری کارگاه های آموزشی به منظور افزایش آگاهی همسران و بهبود روابط زوجین توسط متخصصان حوزه خانواده درمانی در مراکز بالینی و مشاوره ای و همچنین آگاهی رسانی به آحاد مردم از طریق بروشور، کاتالوگ، کلاس های آموزشی و رسانه در زمینه ی عواقب طلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی نقش واسطه ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک های ابراز هیجان و اسکاموتراپی هیجانی با طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی انجام شد. نتایج نشان داد رابطه بین طرحواره‌های هیجانی و طلاق عاطفی تایید می شود. به بیان دیگر، طرحواره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر مستقیم دارد.

همچنین، بر اساس نتایج، سبک‌های ابراز هیجان بر طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر مستقیم دارد. از طرفی، سبک های ابراز هیجان نیز بر طلاق عاطفی با میانجیگری هوش هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر غیرمستقیم نشان داد. در نهایت، سبک های ابراز هیجان بر طلاق عاطفی با میانجیگری هوش هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر غیرمستقیم دارد. بر اساس این نتایج و در شکل کلی می توان بیان کرد رضایت در روابط نزدیک فقط زمانی دیده می شود که هم نیازهای رشدی و هم نیازهای بزرگسالی هیجانی ارضا شوند؛ چراکه هریک از زوجین علاوه بر طرحواره هایی که با خود به رابطه می آورند و میزان ابراز هیجانی و هوش هیجانی خود، در ارتباط های فعلی نیز از آنها برای ساخت و تعریف ارتباط هایشان استفاده می کنند. به بیان دیگر، هرچه این طرحواره ها خشک و ناسالم تر و هرچه میزان ابرازگری هیجانی و هوش هیجانی کمتر باشد، مسیر ارتباط به طرف طلاق محتمل تر خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر با اجازه رسمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و با کد اخلاق IR.IAU.TABRIZ.REC.1400146 از دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز انجام پذیرفت.

مشارکت نویسندگان

در این پژوهش، نویسنده ی اول، خانم دکتر مرضیه علیوندی وفا، راهنمای تخصصی مطالعه را بر عهده داشتند. ندا انتظارخیر، اجراکننده و نویسنده مقاله بودند. آقای دکتر حسینی نسب نیز مشاور تخصصی مقاله بودند.

References

1.Van Gasse D, Mortelmans D. Reorganizing the Single-Parent Family System: Exploring the Process

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]

Perspective on Divorce. Fam Relat. 2020;69(5):1100-1112.

2.Still L, Kid V. Psychology of family skill. (Translated topersian by: Akbari. A). Tehran:Alzahra university prees. 2008.

3.Lalzadeh A, Asghari Ebrahimazade J, Hisarsorkhi R. Examining the role of primary maladaptive schemas in predicting emotional divorce. Journal of Clinical Psychology. 2014;2(26):1-10

4.Haqqani Zanjani H. Divorce or the tragedy of family dissolution, Islamic culture publication. 1391.

5.Sbarra DA, Whisman MA. Divorce, Health, and Socioeconomic Status: An Agenda for Psychological Science, Current Opinion in Psychology. Available online 21 June 2021.

6.Firouzjaian A, Riahi M, Mohammadi Dost M. Sociological analysis of emotional divorce among couples in Nowshahr city, Social-Culture Development Studies. 2015;5(3):34-59

7.Hosni J. Psychometric properties of the Cognitive Disciplinary Questionnaire of Emotion. Clinical Psychology Quarterly. 2011;2(3):73-83

8.Hemmati M, Madhagi M, Hosseinian S, Khalatbari J. Comparing the effectiveness of couple therapy based on schema therapy and couple therapy based on acceptance and commitment in family resilience. Scientific Quarterly of Women and Family Studies. 2017;6(2):145-163

9.Rezvani H, Saemi H. Correlation of self-differentiation and novulation with emotional divorce in married students of Islamic Azad University, Azadshahr Branch. Health Promotion Management Quarterly. 2018;8(2):23-30

10.Rahspar I, No M, Barzgar M, Koreshnia M. The mediating role of social acceptance and emotional schemas in the relationship between family communication patterns and academic motivation of secondary school students. Psychological Methods and Models. 2018;38:59-76

11.Leahy RL. Roadblocks in cognitive behavioral therapy. New York: Guilford Press. 2002.

12.Leahy RL. Emotional Schemas and Self-Help: Homework Compliance and Obsessive-Compulsive Disorder. Cognitive and Behavioral Practice. 2007;14(3):297-302.

13.Jarrett RB, Vittengl JR, Clark LA, Thase ME. Patients' comprehension and skill usage as a putative mediator of change or an engaged target in cognitive therapy: Preliminary findings. Journal of affective disorders. 2018;226:163-168.

14.Yazdi F, Ashrafi A, Fathi Ashtiani A. The structural model of the relationship between negative emotional schemas and physical symptoms with the mediation of emotional ataxia and emotional expressiveness. Behavioral Sciences Research. 2017;16 (3):311-323

15.Mayer JD, Salovey P. What is emotional intelligence .in p salovey. & d. slayer (ends), emotional development and Emotional intelligence. Educational implication. New York; basic book. 1997.

16.Mohammadi Mehr Z, Ayatollah Karimi B. The relationship between emotional intelligence, attachment styles and optimism with marital satisfaction. Interdisciplinary Journal of Education. 2016;11(2):50-59.

17.Sadovyy M, Sánchez-Gómez M, Bresó E. COVID-19: How the stress generated by the pandemic may affect work performance through the moderating role of emotional intelligence. Personality and Individual Differences. 12 May 2021.

18.Mousavi Khorami Z, Dukanei Fard F, Khakpour R. The model of emotional divorce based on the components of primary maladaptive schemas and attachment styles with the mediation of emotional intelligence. Health-Centered Lifestyle Quarterly. 2019;4(3):63-74.

19.Rashidi S. Predicting emotional divorce based on emotional dyslexia and cognitive schemas in Al-Zahra University students, master thesis, and educational psychology, Al-Zahra University, Tehran. 2014.

20.Mikaili N, Jabari Qozlojah A. The relationship between emotional divorce and emotional intelligence and mental health of children, the first national conference of clinical psychology of children and adolescents, Ardabil, 2019.

21.Mears GS. Examining the relationship between emotional schemas emotional intelligence and relationship satisfaction. Doctoral Dissertations and Projects. Liberty University, School of Behavioral Sciences; 2012.

[Downloaded from rjms.iums.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.47176/rjms.32.97]